

## تحلیل الگوهای بزهکاری در سکونت گاه‌ها

### نامتعارف شهرها

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱۹

آیت ... گودرزی<sup>۱</sup>

الهام عباسی ورکی<sup>۲</sup>

گلزار عسگری<sup>۳</sup>

#### چکیده

سکونت‌گاه‌های نامتعارف شهری، از پیامدهای تمرکز شهری ناهمگون و رشد شتابان جمعیت شهری در اثر مهاجرت گسترده‌ی روستا-شهری است که موجب بروز مشکلات متعددی از جمله افزایش بزهکاری در شهرها می‌شود. این پژوهش با هدف تبیین عوامل مؤثر در بروز بزهکاری و شناسایی شرایط تسهیل‌کننده جرایم در سکونت‌گاه‌های نامتعارف شهرها انجام شده است. در این ارتباط (هادی آباد) واقع در غرب شهر قزوین، از مناطق حاشیه‌ای و نامتعارف شهری است که طی دهه پنجاه، تحت تاثیر توسعه‌ی لجام گسیخته‌ی شهری و بالا گرفتن بحران مسکن، عده‌ی زیادی از جمعیت مهاجر کم در آمد را به خود جذب کرده است. مجموعه ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی که ناهنجاری‌های کالبدی را آفریده سبب شده است تا این محدوده محل تمرکز میزان قابل توجهی از جرایم مواد مخدر شهر قزوین باشد. در این پژوهش به منظور شناسایی و درک الگوهای مکانی بزهکاری در منطقه‌ی هادی آباد از مدل‌های آماری مرکز متوسط، بیضی انحراف معیار، شاخص نزدیک‌ترین همسایه و روش تخمین تراکم کرنل در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS استفاده شده است. روش تحقیق در این مقاله فرا تحلیل (تحلیل ثانویه) است. جامعه آماری، تمام شماری پرونده‌های مرتبط با جرایم مواد مخدر بوده که در دوره زمانی یک‌ساله در محدوده‌ی هادی آباد شهر قزوین به وقوع پیوسته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین کانون جرم‌خیز جرایم مواد مخدر شهر قزوین در سکونت‌گاه نامتعارف هادی آباد واقع شده است و بین عامل تراکم جمعیت و شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز در هادی آباد شهر قزوین رابطه معنا داری وجود دارد. به نظر می‌رسد، برنامه‌ریزی اجتماعی اقتصادی، ساماندهی و توانمندسازی کالبدی این محدوده، توجه به نوع و میزان کاربری‌ها و حضور فعال نیروی انتظامی در امر پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای سطح امنیت این محله مؤثر خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** سکونت‌گاه‌های نامتعارف، الگوی بزهکاری، قاچاق و سوء‌مصرف مواد مخدر، قزوین، هادی آباد

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

۳. کارشناس علوم اقتصادی

## مقدمه

هرچند زندگی در مکان‌های نامناسب و مخروبه پدیده تازه‌ای نیست، اما زندگی در سکونت‌گاه‌های نامتعارف شهری به شکل کنونی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، شیوه‌ای است که با برقراری نظام سرمایه‌داری در این جوامع نمایان شده است. زیرا در نظام سرمایه‌داری معاصر، شهر به عنوان مکان مناسب و شهرنشینی به عنوان شیوه مطلوب زندگی به شمار می‌آید. نفوذ فرهنگ سرمایه‌داری در جهان سوم از جمله ایران، گرایش به صنعتی شدن را در پی داشت و صنعت مونتاژ به عنوان سمبل و نماد بارز آن، عوارض و ضایعات جبران‌ناپذیری را در ساختار اقتصادی-اجتماعی جامعه ایران، بر جای گذاشت. از جمله پیامدهای آن، تمرکز شهری ناهمگون و رشد شتابان شهری در اثر مهاجرت گسترده روستا-شهری است. روندی که در حقیقت موجب انتقال فقر روستاها به شهرها می‌شود. اینجاست که با ورود انبوه توده‌های فقیر جویای کار، تقاضای فضا برای سکونت بالا گرفته، و زمین و مسکن به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شده است و مهاجرین فقیری که در مرحله‌ی تحول از زندگی روستایی به شهری قرار دارند، جهت تطبیق و تثبیت وضع موجود خویش، از نظر اقتصادی و اجتماعی، ناگزیر به حاشیه شهرها رانده می‌شوند و هسته‌های حاشیه‌نشین با سکونت‌گاه‌های نامتعارف شکل می‌گیرد.

شهر تاریخی قزوین از یک سو بنا به موقعیت خاص چهارراهی و توان‌های محیطی فوق‌العاده‌اش و ایجاد شهر صنعتی البرز و از سوی دیگر روند شهرنشینی شتابان، تغییر الگوی مصرف جامعه و توسعه‌ی برون‌زای کشور، مورد هجوم گسترده مهاجران از شهرها و روستاهای اطراف قرار می‌گیرد که پیامد این بحران شهری، شکل‌گیری محله‌های فقیرنشین با سکونت‌گاه‌های نامتعارف در جای جای شهر

است. محله هادی آباد، آبگیلک، نوروزیان و ... نمونه های بارز این نوع سکونت گاه‌ها می باشند.

هادی آباد واقع در غرب شهر قزوین، از جمله مناطق حاشیه‌ای و نامتعارف شهر است که طی دهه پنجاه شمسی تحت تأثیر توسعه‌ی لجام گسیخته‌ی شهری و افزایش بحران مسکن به دلیل موقعیت مکانی و سهولت دسترسی و نقل و انتقال به مراکز خرید، کار و اشتغال، عده‌ی کثیری از جمعیت مهاجر کم در آمد را به خود جذب کرده است و به زیر ساخت‌های غیر مجاز و بی ضابطه سوق داده است. رشد سریع و ناگهانی جمعیت به دلیل نبود اهرم‌های لازم برای کنترل ساخت‌وسازها و توسعه آتی شهر، موجب گسترش ساخت‌وسازهای نامتعارف و در نتیجه ظهور کالبدی دوگانه، آشفته و فاقد هویت و انتظام شهری شده است، به طوری که مساحتی حدود شصت هکتار از باغ‌های غرب شهر، در کمتر از سه دهه چنان جمعیتی را در خود جای داده است که میانگین تراکم در ساختمان‌های مسکونی آن به حدود ۹۳۷ نفر در هکتار از فضای خالص مسکونی می‌رسد. این در حالی است که میانگین تراکم در ساختمان‌های مسکونی شهر قزوین، ۳۵۵ نفر در هر هکتار است که خود جزء تراکم‌های بالا می‌باشد. در حال حاضر بافت حاشیه‌نشین هادی آباد و بافت کلی شهر نه تنها با هم تشکیل یک پیکره‌ی واحد شهری با کارایی‌های لازم، جهت تداوم و حیات سالم شهری را نمی‌دهد، بلکه مسائل و مشکلات فضایی و کالبدی فراوانی در محله‌ی مذکور بروز کرده است (هاشمی، ۱۳۸۱: ۹).

هدف کلی مقاله حاضر این است که ضمن بررسی و دقت نظر در تئوری‌های پیدایش و نحوه‌ی برخورد با سکونت‌گاه‌های نامتعارف، وضع موجود محله هادی آباد را از لحاظ شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز مواد مخدر به دقت بررسی کند و با شناسایی ناهنجاری‌های فضایی و کالبدی موجود در محله، برنامه‌ریزی جهت

سامان‌دهی پراکنش و انتظام معقول کاربری‌ها، توزیع بهینه جمعیت، برای دستیابی به سازمان فضایی و کالبدی مطلوب جهت ایجاد محیطی مناسب برای ساکنان محله، به مقاوم سازی این گونه محدوده‌ها در شهرها اقدام کند. با توجه به مطالب پیش گفته این پژوهش کوشیده است به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

- نوع و میزان جرایم مواد مخدر در منطقه هادی آباد در مقایسه با سایر مناطق شهر قزوین و توزیع فضایی نوع و میزان بزهکاری در سکونت‌گاه نامتعارف هادی آباد چگونه است و ارتکاب بزهکاری در این منطقه از شهر قزوین از چه الگوهای فضایی پیروی می‌کند؟
- راهکارهای مؤثر در افزایش ایمنی و کاهش بزهکاری در منطقه هادی آباد کدام است؟

### ضرورت‌ها و اهداف

ایجاد شهر صنعتی البرز و راه اندازی بخش عمده‌ای از واحدهای صنعتی و پدید آمدن کانون اقتصادی فعال در منطقه از یک سو و روند شهر نشینی شتابان و آزاد شدن جمع کثیری از نیروی کار کشاورزی در اثر اصلاحات ارضی از سوی دیگر، موجب هجوم گسترده‌ی مهاجرین روستایی به شهر قزوین می‌شود. گران بودن قیمت زمین و مسکن و اجاره بهای مسکن در سطح شهر که کمبود مسکن را به بحران تبدیل می‌کند سبب می‌شود تا نقاطی همچون آبگیلک، هادی آباد و محدوده‌ی راه آهن به جهت موقعیت مکانی مناسب و سهولت دسترسی و نقل و انتقال به مراکز خرید و کار و اشتغال، تعداد زیادی از جمعیت مهاجر و کم در آمد را به خود جذب کند و به زیر ساخت و سازه‌های غیر مجاز و بی ضابطه سوق داده شود. رشد سریع جمعیت و فقدان اهرم‌های لازم برای کنترل ساخت و سازها و

توسعه‌ی آتی شهر موجب گسترش ساخت و سازهای نامتعارف و در نتیجه ظهور کالبدی، آشفته و فاقد هویت و انتظام شهری در محدوده‌های یاد شده می‌شود. از بارزترین این مشکلات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رشد و تراکم بسیار بالای جمعیت در سراسر محله و تراکم بالای خانوار در واحد مسکونی، که در نهایت باعث بافت و سیمای آشفته و ناموزون محله می‌شود.

- فقدان نظام سلسله مراتبی در شبکه‌های دسترسی و نبود شبکه‌ی ارتباطی و گذربندی مناسب و قابل عبور برای وسایل نقلیه خدماتی مانند: آمبولانس، آتش نشانی، نیروی انتظامی و...

- فقدان یا کمبود تاسیسات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تفریحی و فضای سبز در سطح محله و توزیع نامناسب حداقل‌های موجود.

از سوی دیگر این محدوده به علت مهاجر پذیر بودن، با مشکل عدم انسجام اجتماعی و به تبع آن بزه خیز شدن مواجه است. در این راستا مطالعه نوع و میزان بزهکاری و شناخت الگوهای فضایی این ناهنجاری‌ها در این محدوده ضرورت دیگر پژوهش حاضر است. بر این اساس مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- بررسی تأثیر ناهنجاری‌های فیزیکی و کالبدی در جرم خیز شدن سکونت‌گاه‌های نامتعارف شهری؛

- تحلیل ارتباط تراکم جمعیت و تأثیر آن در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در سکونت‌گاه‌های نامتعارف شهری؛

- نتایج و یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسئولان مدیریت شهری به منظور کاهش مشکلات و کاهش میزان بزهکاری در سکونت‌گاه نامتعارف مفید باشد.

### فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد در سکونت‌گاه نامتعارف هادی آباد شهر قزوین به عنوان محدوده‌ی پر ازدحام و متراکم شهر که دارای ساختار کالبدی نامناسب و امکان کنترل کمتر می‌باشد کانون‌های سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر شهر قزوین، متمرکز شده است.

### پیشینه پژوهش

سابقه شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز<sup>۱</sup> شهری به عنوان رویکردی علمی به دهه ۱۹۸۰ میلادی باز می‌گردد. این موضوع در ۱۵ سال اخیر در بین تحلیلگران جرایم شهری اهمیت بسیار یافته و امروزه به عنوان دستاوردی معتبر جهت مقابله با انحرافات اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم مطرح است. به نظر می‌رسد ایده‌های اولیه بررسی محدوده‌های جرم‌خیز شهری در نتیجه ترسیم نقشه‌های پونزی<sup>۲</sup> که تهیه آن در اداره‌های پلیس به شیوه دستی از حدود ۲۰۰ سال پیش مرسوم شده است، شکل گرفته باشد. از آنجا که توزیع جرایم در محدوده جغرافیایی، تابعی از شرایط مکانی محل وقوع بزه، عامل زمان، انگیزه و توانایی بزهکار و نحوه پراکنش اهداف مجرمانه است؛ بنابراین نشان دادن وقایع مجرمانه بر روی نقشه شهرها با پونز یا

---

1. Hotspots Analysis  
2. Pin Maps

علایم رنگی، می‌توانست به این نتیجه منتهی شود که توزیع بزهکاری به تمرکز و تراکم در محدوده‌ای خاص و گاهی بخش‌های کوچکی از سطح شهر گرایش دارد. در این زمینه می‌توان به تحقیقی که توسط استادان دانشگاه شیکاگو، شاو و مک کی انجام شده است اشاره کرد. در این تحقیق به بررسی عوامل ارتکاب جرم و تراکم جرم در مناطق جرم خیز شهر شیکاگو پرداخته شده است که نتایج تحقیقات آنان نشان داد بین شرایط حاکم بر وضعیت زندگی در مناطق جرم خیز و ارتکاب جرم و میزان بالای جرم رابطه مستقیمی وجود دارد. این نظریه با عنوان نظریه زیست بوم جرم در مکتب شیکاگو مطرح است.

طی ۱۰۰ سال اخیر تحلیل‌های ساده محدوده‌های جرم‌خیز شهری به وسیله پژوهشگران جرایم شهری یا افسران پلیس صورت گرفته است و طی ۳۰ سال گذشته افرادی چون برانتینگام<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۵ و ۱۹۸۱، کرو<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۵، ابی<sup>۳</sup> و هریس<sup>۴</sup> در سال ۱۹۸۰ و پریش<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۶ در آثار و نوشته‌های خود با ورود به بحث تراکم بزهکاری در محدوده‌های خاص شهری، تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز را مطرح ساختند (ویسبورد، ۲۰۰۴: ۱). هرچند پژوهش در این زمینه را به طور مشخص "شرمن"، "گارتین" و "برگر" در سال ۱۹۸۹ انجام دادند و برای نخستین بار واژه کانون‌های جرم‌خیز توسط آنان مطرح گردید. "شرمن" و همکارانش در مطالعه شهر مینیا پلیس دریافتند ۵۰ درصد تماس‌های تلفنی با پلیس تنها از ۳/۳ درصد کانون‌های شهری انجام شده است (شرمن، ۱۹۸۹: ۵۵-۲۵). از آن پس تحقیق شرمن و همکاران او و نتیجه قابل تأمل پژوهش آنان مورد توجه سایر

---

1. Brantingham  
2. Crow  
3. Abeyie  
4. Harries  
5. Parish

پژوهشگران قرار گرفت و موجب شد تا تحقیقات زیادی در مورد شهرهای دیگر جهان صورت گیرد که تمامی این مطالعات نتایج مشابهی در بر داشت و مطالعات شرم و همکارانش را تأیید کرد. این مطالعات نشان داد، تعداد قابل ملاحظه‌ای از جرایم تنها در مکان‌های خاص و معینی از شهر تمرکز می‌یابد.

از جمله پیش‌تازان تحقیق در زمینه محدوده‌های جرم‌خیز شهری، اداره پلیس شهر نیویورک می‌باشد که به طور سیستماتیک رویکرد فوق را در تحلیل بزهکاری و در برنامه‌ریزی‌های راهبردی جهت کاهش بزهکاری به‌کار گرفته است (براتون و کنولر، ۱۹۹۸: ۳۶). همچنین مجموعه پژوهش‌هایی در این زمینه با حمایت مؤسسه ملی دادگستری ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است. از جمله مؤسسات معتبر پژوهشی پیرامون شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز، مرکز کاهش بزهکاری وابسته به وزارت کشور انگلیس می‌باشد. از جمله مطالعات این مرکز، تحقیقی است که در سال ۱۹۹۰ در بخش کریدون در جنوب شرق لندن انجام گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ۱۸ درصد کل سرقت‌های انجام شده در این محدوده تنها در ۰/۶ درصد از کل بخش فوق متمرکز شده است (هوم آفیس، ۲۰۰۳).

پژوهش دیگر، مطالعه جرایم مرتبط با مشروبات الکلی در مرکز شهر ناتینگام می‌باشد که در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. در این تحقیق، راهبردهای مورد استفاده در کشور انگلیس برای کاهش بزهکاری در مرکز شهر و نواحی تجاری آن بررسی شده است. این تحقیق نشان می‌دهد، افزایش تعامل و مشارکت بین پلیس و مدیریت مشروب‌فروشی‌ها و مراکز مصرف مشروبات الکلی (عشرتکده‌ها) و حضور و مراقبت بیشتر پلیس می‌تواند موجب کاهش بزهکاری در این محدوده‌ها شود (هاپکینز، ۲۰۰۴: ۶۶-۵۳).



پژوهش دیگری در شهر کمبریج با هدف شناسایی، تشریح و هدف‌گیری نقاط آلوده‌تر بزه سرقت در این شهر، در سال ۱۹۹۵ انجام شده است. نتایج این بررسی نشان داد، فراوانی مسیرهای دسترسی به فرار بزهکاران و نزدیکی نواحی جرم‌خیز به محل سکونت بزهکاران، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری محدوده‌های آلوده‌تر در این شهر است. به عبارت دیگر، در نقاط جرم‌خیز فرصت‌های مناسبی برای بزهکاران جهت ارتکاب بزه فراهم بوده است که به شکل‌گیری این محدوده‌ها منجر شده است (بنت، ۱۹۹۵: ۱۲۳-۱۱۳). با مطالعات "جاکوبز"، "جفری" و "نیومن" راه برای پژوهش‌های بیشتر هموار شد و بعد از آنان پژوهشگران بسیاری در این رابطه به مطالعه و بررسی پرداختند (ویدوم، ۱۹۹۷: ۹). در این میان مطالعات برانتینگام در سال ۱۹۹۹، "اک (Eck)" و همکارانش در سال ۲۰۰۰، "ران سک (Roncek)"، در سال ۲۰۰۰، "اسپیلمن (Spillman)"، در سال ۱۹۹۵، "وایزبرد (Weisburd)"، همکارانش در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ و ۲۰۰۰ و برانس دون (Brunsdon) در سال ۲۰۰۷ قابل توجه بیشتری است (رات کلیف، ۲۰۰۴: ۱).

### مبانی نظری

از میان دیدگاه‌های نظری مربوط به مسئله سکونتگاه‌های نامتعارف، تقسیم بندی‌های گوناگونی در دست است که تا حدودی قراردادی است. طبعاً هر چه ملاک‌های در نظر گرفته شده کلی‌تر باشد، تعداد دیدگاه‌ها محدودتر می‌شود و هر چه ملاک‌های به کار گرفته شده خردتر باشد، تعداد دیدگاه‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به اهداف پژوهش حاضر و به‌ویژه اهداف کاربردی که بر استنتاج راهبردهای برنامه‌ریزی، ساماندهی و سازماندهی استوار می‌باشد، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضاست.

دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به علل پیدایش سکونتگاه‌های نامتعارف پرداخته است و می‌کوشد تا با ریشه مسئله را ریشه‌یابی کند. این دیدگاه سرمایه‌داری و تحولات آن را به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به عنوان متغییر مستقل و اصلی این دیدگاه معرفی می‌کند. سرمایه‌داری به عنوان نظامی فوق‌العاده پویا که منطبق آن انباشت برای انباشت مجدد است، از همان آغاز، سودایی جهان شمول داشته است و تلاش برای جهانی شدن را از سال ۱۸۱۵ میلادی تا امروز بی وقفه ادامه داده و بالاخره در آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی تحقق یافته و بلامعارض گشته است. دوره‌ی ۱۹۷۰-۱۹۴۵ دومین دوره‌ی کوشش در جهت جهانی شدن است. در این دوره ادغام کامل اقتصاد و جامعه جهان سوم در نظام جهانی در دستور کار قرار گرفته است.

دیدگاه‌های بسیاری ادغام یاد شده را فرایند یکسان سازی تلقی کرده و تصور کرده‌اند که رخدادهای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در جهان سرمایه‌داری صنعتی هم‌اکنون با تاخیر به کمک «زود صنعتی شدگان» در جهان سوم، در حال تکرار است. (پیران، پرویز: ۹۸). حال آنکه از دید اقتصاد سیاسی فضا، ادغام مورد بحث، اول اینکه بر اساس مزیت‌های معینی که در تقسیم کار جهانی برای هر یک از کشورهای جهان سوم فرض شده است، صورت می‌گیرد؛ دوم اینکه، تلاش در جهت جهانی شدن و ادغام، به عنوان راه حلی، برای انتقال مشکلات بحران زای جهان صنعتی به جهان سوم و رهایی از آنها، نگریسته می‌شود. زیرا سرمایه‌داری ذاتاً و خصلتاً و به صورت دائمی به قطب بندی اقدام می‌کند و از این رهگذر مفهوم مرکز-پیرامون، واقعیت می‌یابد.

آثار ادغام یاد شده در کشورهای جهان سوم، در عناوین زیر نمایان می‌شود و در نهایت سبب ایجاد سکونت‌گاه‌های نامتعارف می‌شود:

### الف. رشد شتابان جمعیت

با ادغام اقتصاد جوامع جهان سوم در نظام جهانی که به توسعه برونزا تعبیر شده است، کنترل طبیعی جمعیت، کاهش اساسی می‌یابد. زیرا میزان مرگ و میر کودکان با ارتقای امکانات بهداشتی کاهش می‌یابد و از سویی با بالا رفتن سطح بهداشت عمومی، متوسط عمر و امید به زندگی، فزونی می‌یابد. سوانح طبیعی نیز با رشد فنی جامعه تقلیل می‌یابد و از این رهگذر، آهنگ رشد جمعیت، سرعت شتابان‌تری می‌گیرد.

### ب. رشد شتابان جمعیت شهری

با رشد شتابان جمعیت جهان سوم، جمعیت شهری نیز چه در اثر رشد طبیعی جمعیت شهر و چه در اثر مهاجرت سیل وار جمعیت روستایی به شهر، رشد قابل توجهی می‌یابد.

### ج. تمرکز شهری ناهمگون

در کنار رشد شتابان جمعیت جهان سوم و شهری شدن سریع، باید از تمرکز ناهمگون جمعیت شهری در کنار یک یا دو شهر یاد کرد. این پدیده که به تقدم و تسلط تک شهری<sup>۱</sup> یا دو شهری<sup>۲</sup> مرسوم است. از ویژگی‌های منفی شهری شدن جهان سوم به حساب می‌آید. تقدم و تسلط شهری، گویای این واقعیت است که در فضای شهری کشورهای جهان سوم، یک یا دو شهر از جهات گوناگون جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری بر فضای شهری و بر ساختار و نظام شهری مسلط است. این شهر که معمولاً پایتخت کشور است، چندین برابر دومین شهر

---

1. urbon-primacy

2. dual- primacy

کشور جمعیت دارد. حاصل این امر همان چیزی است که مانوئل کاستل آن را «ماکروسفالی» یا نظام بزرگ سری شهری نام برده است (پیران، پرویز: ۹۹-۱۰۰). نتیجه آنکه در نظام شهری ماکروسفال، امکانات جمعیتی، اقتصادی، اداری، سیاسی، اداری و فرهنگی به تمرکز در یک شهر، به زیان سایر شهرها گرایش دارد و این تمرکز شدید به خصوص در بخش جمعیتی و به ویژه در پایتخت، باعث پیدایش بازار غیر رسمی زمین و مسکن (رشد بورس بازی و دلالی) می‌شود و اشکال متفاوت سکونت‌گاه‌های غیر متعارف را موجب می‌شود.

تئوری‌ها و دیدگاه‌های نظری برخورد با سکونت‌گاه‌های نامتعارف، طیفی از برخوردهای رادیکالی (موافق با تغییرات بنیانی) تا برخوردهای لیبرالی، انسان‌گرا و دیدگاه ارشادی-آموزشی را در بر می‌گیرد. با عنایت به راه‌های آزمایش شده و تجربیات برخورد در سطح جهان و ایران، سه دیدگاه عمده و اصلی را می‌توان از هم تفکیک کرد.

### دیدگاه اول

این دیدگاه در برخورد با این گونه جوامع، تحمل این مکان‌ها را در شهر و رهایی آنها را در فرایند بازار توصیه می‌کند و متعقد است که این سکونت‌گاه‌ها در واقع جزء ضروریات گذار جوامع از سنتی به صنعتی می‌باشند بنابراین باید در کنار آن به حیات نیمه جان خود ادامه دهند؛ تنها هر از چند گاهی به منظور تعدیل مسئله، باید طرح‌های محدودی در زمینه خانه سازی ارزان قیمت و بهسازی جزئی به عمل آورد.

## دیدگاه دوم

دیدگاه دوم، تخریب بدون قید و شرط را به منظور تحقق اهداف مقطعی و رفع آنی و ظاهری آسیب‌های شهری و بهبود سیمای مجموعه‌ی شهر مد نظر قرار می‌دهد. در این دیدگاه رفع نارسایی‌ها مربوط به این جوامع تنها از طریق حذف و پاکسازی فیزیکی این سکونت‌گاه‌ها دنبال می‌شود. در عمل این دیدگاه بیش از هر دیدگاه دیگری در سراسر جهان به اجرا درآمده است.

## دیدگاه سوم

بالاخره دیدگاه سوم معتقد است که با وجود مشکلات فراوان و حتی حاد این جوامع، می‌توان از شیوه‌های هدایتی، مدیریتی و ارشادی-آموزشی استفاده کرد و با تشویق و ترویج الگوی تغییر زیست و با تکیه بر امنیت حاصل از اعطای مالکیت به ساکنین به سازندگی و آبادانی این سکونت‌گاه‌ها پرداخت. بر اساس این دیدگاه بی‌آنکه مسئله تخریب یا رها سازی این مکان‌ها مطرح باشد می‌توان کالبد و فضای آنها را از طریق بهسازی و ساماندهی با کارکردهای مناسب اصلاح و به سایر قسمت‌های شهر متصل کرد. آنچه مسلم است در نحوه برخورد با این سکونت‌گاه‌ها، دیدگاه‌های اول و دوم در بسیاری از کشورها به اجرا درآمده و تاکنون طرفداران بسیاری داشته است در حالی که دیدگاه سوم که اجرای آن مستلزم مطالعات و برنامه‌ریزی‌های فراوان می‌باشد، در عمل پیروان کمی دارد. در ساماندهی محله هادی آباد، ضمن توجه به تئوری‌های مطرح در خصوص ساماندهی بافت‌های نامتعارف شهری از تئوری «اصلاح و نوسازی» بهره گرفته می‌شود که ترکیبی از دیدگاه دوم و سوم را نیز در خود دارد. در تئوری‌های اصلاح و نوسازی که طیف وسیعی از تئوری‌های نوسازی رادیکال تا نوسازی‌های اصلاح طلبانه از طریق توصیه

و آموزش جامعه شهری را در بر می‌گیرد تخریب و نوسازی کلی مدنظر نیست، بلکه مقصود بهسازی، احیاء و ارائه الگوی مناسب جهت کمک به حل مشکلات بافت و جلوگیری از ایجاد مشکل برای بافت‌های درونی و بیرونی خواهد بود. به تعبیری دیگر، هدف نوسازی این است که بخشی از شهر را که فاقد نقش اساسی و مؤثر در سازمان فضایی شهر بوده و گاه از داشتن حداقل امکانات خدماتی، رفاهی و ... محروم است با استفاده از تصحیح برخی دسترسی‌ها، کاربری‌ها و ایجاد مراکز محله قوی، مؤثر ساخته و به شرایط مطلوب و زندگی شرافتمندانه نزدیک کند.

بنا به تعریف حبیبی: «نوسازی ابزاری قویست، جهت ساماندهی و برنامه ریزی شهری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی. بر این اساس نوسازی ساختمانی جزئی از سرفصل‌های نوسازی خواهد بود و ساماندهی فضایی اصل و اساس نوسازی است»<sup>۱</sup>. بر این اساس در محله هادی آباد هم با استفاده از تئوری اصلاح و نوسازی، و با بررسی وضع موجود و شناخت آسیب‌های کالبدی و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن سعی خواهد شد، راهکارهای مناسب جهت کمک به حل مشکلات و معضلات محله پیشنهاد شود (هاشمی، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۰).

### مواد و روش‌ها

تعداد کل جرایم ارتكابی مرتبط با مواد مخدر در محدوده قانونی محله هادی آباد که از فروردین ماه ۸۷ تا فروردین ماه ۸۸، در فرماندهی انتظامی استان برای آنها پرونده قضایی تشکیل شده است، ۲۲۶ فقره می‌باشد. انواع این جرایم شامل خرید و فروش، حمل، نگهداری و سوء مصرف مواد مخدر است. همچنین در این بررسی از روش تمام شماری استفاده شده است.

۱. دکتر سید محسن حبیبی، جزوه درسی بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی - دانشگاه تهران - تلخیص.

روش تحقیق در مقاله حاضر فرا تحلیل (تحلیل ثانویه) است و برای شناسایی و درک الگوهای مکانی بزهکاری در منطقه هادی آباد از مدل‌های آماری و گرافیک مبنا در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS استفاده شده است. در این ارتباط داده‌های مربوط به جرایم مورد مطالعه به صورت وقایع نقطه‌ای در محدوده مورد بررسی ثبت شده است. گفتنی است در این پژوهش برای تحلیل تطبیقی و گرافیکی از نرم‌افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS و نرم‌افزار جانبی Crime Analysis و نیز نرم‌افزار Case در محیط Arc GIS استفاده شده است که به شرح زیر می‌باشد:

- آزمون مرکز متوسط<sup>۱</sup>: نقطه مرکز متوسط را می‌توان به عنوان معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی انواع گوناگون جرم یا برای بررسی وقوع یک نوع جرم خاص در دوره‌های زمانی مختلف به کار گرفت. اندازه‌گیری جابه‌جایی فضایی یک نوع جرم خاص از این جمله است.
- فاصله از انحراف معیار<sup>۲</sup>: شاخص فاصله از انحراف معیار به تشریح سطح و نحوه توزیع داده‌های مجرمانه کمک می‌کند. بهتر است این آمار به عنوان شاخصی نسبی مورد استفاده قرار گیرد، تا بدین وسیله امکان مقایسه انواع جرایم یا مقایسه یک نوع جرم در دوره‌های زمانی متفاوت فراهم شود.
- بیضی انحراف معیار<sup>۳</sup>: سطوح پراکندگی را می‌توان به وسیله بیضی انحراف معیار نیز نشان داد. اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن جهت حرکت رفتارهای مجرمانه را نشان می‌دهد.

---

1. Mean Center  
2. Standard Deviation Distance  
3. Standard Deviation Ellipse

\* آزمون خوشه‌بندی<sup>۱</sup>: چهارمین و احتمالاً مفیدترین آزمون آماری جامع مقدماتی، آزمون خوشه‌بندی است. تحلیل‌گران جرم اغلب فرض می‌کنند توزیع جرم شکلی خوشه‌ای و گرد آمده دارد، چه این خوشه‌ها وجود داشته باشد چه وجود نداشته باشد، تعدادی از این خوشه‌ها در توزیع‌های تصادفی بزهکاری قابل مشاهده است. چند روش برای آزمون خوشه‌بندی در توزیع بزهکاری قابل استفاده است. اکثر این روش‌ها در برگیرنده اصل اولیه آزمون فرضیه و آمار کلاسیک است که در آن فرض می‌شود توزیع بزهکاری از نظر فضایی کاملاً تصادفی است (اک و همکاران، ۱۳۸۸:۱۶۰).

در نظر گرفتن فرض توزیع فضایی کاملاً تصادفی جرایم به عنوان فرضیه صفر، می‌توان توزیع جرایم را با سطح معناداری فرضیه صفر مقایسه کرد تا اعتبار آن قبول یا رد شود. از بین آزمون‌های خوشه‌بندی، شاخص نزدیک‌ترین همسایه (Nearest Neighbor Index (NNI) و آزمون "خود همبستگی فضایی" برای شناسایی کانون‌های جرم خیز به کار گرفته شده است.

علاوه بر آزمون‌های آماری، از نقشه توزیعی - نقطه‌ای که روش آماری گرافیک مبنا به منظور نمایش کانون‌های جرم خیز می‌باشد، استفاده شده است.

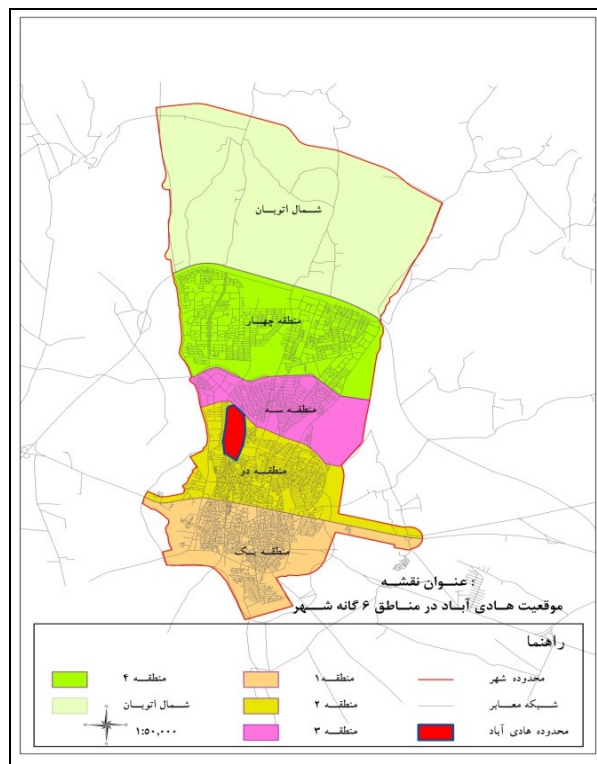
### معرفی منطقه اسکان غیر رسمی هادی آباد

شهر قزوین بزرگ‌ترین نقطه شهری استان قزوین است. این شهر مطابق محدوده‌ای که در طرح تفصیلی سال ۱۳۷۳ مورد تصویب قرار گرفته است، دارای مساحتی برابر ۵۳۱۶۳۵۰۹ متر مربع (۵۳۱۶/۴ هکتار) می‌باشد. مساحت این شهر نسبت به مساحت شهرستان قزوین و سپس استان قزوین به ترتیب برابر ۰/۹۳ درصد و ۰/۳۴ درصد



می‌باشد که از شش منطقه شهری تشکیل شده است، چهار منطقه آن در جنوب و دو منطقه دیگر در شمال اتوبان قزوین- زنجان واقع شده است، مناطق پنج و شش شهر قزوین نیز به دلیل فقدان (اندک بودن) جمعیت و فضا تغییر شکل یافته و فاقد ارزش اطلاعاتی می‌باشند.

نقشه شماره ۱: موقعیت هادی آباد در مناطق ۶ گانه شهر



ماخذ: هاشمی، ۸۱

بزرگ‌ترین منطقه این شهر در جنوب اتوبان، منطقه شماره چهار است که بیشترین مساحت را در بین سایر مناطق دارا می‌باشد. مناطق دو، سه و یک به ترتیب در مرتبه بعدی از حیث مساحت قرار دارند. توزیع جمعیت در این شهر از مساحت

مناطق تبعیت نمی‌کند. بیشترین جمعیت و تعداد خانوار ساکن در منطقه دو استقرار یافته‌اند که در این میان محله هادی آباد که جزء روستاهای اطراف محسوب می‌شد به مرور در شهر قزوین جای گرفت. همان گونه که در نقشه دیده می‌شود محله هادی آباد که با رنگ قرمز معرفی شده از نظر تقسیمات شهری در منطقه بندی پیشنهادی طرح تفصیلی شهر، در ناحیه ۶ و ۷ از منطقه ۲ که با رنگ زرد مشاهده می‌شود قرار گرفته و شامل ۵ محله می‌باشد (ن-ک به نقشه شماره ۵). نواحی دیگر مانند یک، چهار و سه به ترتیب در مرتبه بعدی از حیث تعداد جمعیت و خانوار قرار گرفته‌اند. تراکم ناخالص جمعیت در منطقه یک با  $335/4$  نفر در هکتار و در ناحیه چهار با  $50/3$  نفر در هکتار، به ترتیب بیشترین و کمترین تراکم را در سال ۱۳۸۵ دارا می‌باشد. میانگین تراکم ناخالص جمعیت در مناطق چهار گانه شهر قزوین (جنوب اتوبان)  $147/2$  در هکتار می‌باشد (مهندسین مشاور شارمند، ۱۳۷۳). این وضعیت عدم توزیع مناسب جمعیت در سطح مناطق را نشان می‌دهد، به طوری که بخش عمده‌ای از جمعیت منطقه در ناحیه یک و دو که از سطح کمتری برخوردار است استقرار یافته‌اند و بالعکس بخش اندکی از جمعیت در منطقه چهار که از مساحت زیادی برخوردار می‌باشد، اسکان یافته‌اند.

### سیر تحول، تاریخچه و سابقه شکل‌گیری هادی آباد

شناخت دقیق سیر تحول ساختار فضا و آگاهی از سابقه و روند شکل‌گیری هادی آباد به منظور درک صحیح واقعیت‌های عینی بافت در طول زمان، امری الزامی و ضروری است. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که این اراضی قبل از آنکه پذیرای مهاجرین گردد، جزء باغات بادام و انگور بوده است که همچون کمربندی نعل اسبی شکل گرداگرد شهر کشیده بوده است.

سابقه ساخت و ساز در هادی آباد به سال ۱۳۳۰ باز می‌گردد. طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۲ که دوره بطئی رشد ساخت و ساز در هادی آباد است، تنها ۹/۵ درصد کالبد فعلی هادی آباد ساختمان می‌گردد. دوره دوم که مقارن است با سال‌های انجام اصلاحات ارضی، ورود دلارهای نفتی و ایجاد صنایع مونتاژ در سطح کشور؛ در شهر صنعتی البرز قزوین و مهاجرت های گسترده روستاییان به شهرها، روند ساخت و ساز رشد فزاینده و پر شتابی پیدا می‌کند. به نحوی که طی ۱۱ سال (۱۳۵۴-۱۳۴۳) بیش از ۷۰ درصد از کالبد فعلی هادی آباد شکل می‌گیرد. با این همه این روند در اثر تراکم زیاد، زمین و اشیاع جمعیتی بافت، اجرای مقررات و ضوابط محدود کننده از طرف شهرداری و ... طی سال‌های ۸۰-۵۵ کاهش یافته و به کندی می‌گراید. در این دوره تنها ۲۰ درصد از ساخت و سازهای محله طی ۲۵ سال اخیر به انجام رسیده است.

جدول شماره ۱: سال احداث بنا ها در هادی آباد

سال احداث بنا	قبل از ۱۳۳۳	۴۲-۱۳۳۴	۵۴-۱۳۴۳	۸۰-۱۳۵۵
در صد کل	۳	۶/۵	۷۰/۵	۲۰

ماخذ: طرح جامع و تفضیلی قزوین، دفتر دوم، ۱۳۵۹

هادی آباد با ۳۳۵۰۳ نفر جمعیت، در مقایسه با سایر نقاط شهر، از بالاترین تراکم جمعیتی برخوردار است. به طوری که ۱۱/۵ درصد از جمعیت شهر را در خود جای داده، در حالی که فقط ۴ درصد از سطح شهر را اشغال کرده است. بررسی و مقایسه سطوح، سرانه و تراکم خالص شهری در قزوین و محله هادی آباد، نشان می‌دهد که سرانه خالص شهری برای هر شهروند قزوینی ۵۵ متر مربع است. در حالی که سهم هر ساکن محله هادی آباد از سطح خالص شهری تنها ۱۵/۷۷ مترمربع

می باشد. از جهت دیگر از نظر تراکم خالص شهری در هر هکتار از سطوح خالص شهری در شهر قزوین ۱۸۲ نفر جای دارد. حال آنکه در هادی آباد ۶۳۴ نفر می باشد. بنابراین نتیجه آن می شود که میزان تراکم خالص در هادی آباد بیش از ۳ برابر سطح شهر قزوین می باشد که این خود منشأ بسیاری از مشکلات، نارسایی ها و نابسامانی های شهری در محله می باشد (هاشمی، ۱۳۸۱: ۶۰).

### یافته ها

تعداد کل جرائم ارتكابی مرتبط با مواد مخدر در محدوده قانونی محله هادی آباد که طی فروردین ماه ۱۳۸۷ تا فروردین ماه ۱۳۸۸، در فرماندهی انتظامی استان برای آنها پرونده قضائی و انتظامی تشکیل شده است، ۲۲۶ فقره بوده است. انواع این جرایم خرید و فروش، حمل، نگهداری و سوء مصرف مواد مخدر می باشد (عباسی، ۱۳۸۷: ۹۱).

فراوانی نوع و میزان هر یک از جرائم مرتبط با مواد مخدر ارتكابی در محله هادی آباد نشان می دهد نگهداری مواد مخدر بیشترین میزان وقوع را در بین دیگر جرایم ارتكابی در محله هادی آباد داراست. به عبارت دیگر در میان جامعه آماری مورد بررسی حدود ۳۱/۸ آن که برابر ۷۲ فقره می باشد مربوط به جرم نگهداری مواد مخدر است. در مرتبه دوم بزه سوء مصرف مواد مخدر قرار دارد که بالغ بر ۲۴/۳ از جرائم فوق را با تعداد ۵۵ فقره تشکیل می دهد، تعداد ۵۰ فقره که معادل ۲۲/۳ از جامعه مورد مطالعه نیز جرائم مربوط به جرم حمل مواد می باشد و همچنین تعداد ۴۹ فقره که معادل ۲۱/۶ از جامعه آماری جرائم مورد بررسی مربوط به خرید و فروش مواد مخدر می باشد. در جدول شماره ۲ نوع و میزان جرایم وقوع یافته مرتبط با مواد مخدر در شهر قزوین (۸۸-۱۳۸۷) نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: نوع و میزان جرایم وقوع یافته مرتبط با مواد مخدر (۸۸-۱۳۸۷)

نوع جرم	فراوانی	درصد
خرید و فروش	۴۹	۲۱.۶
حمل	۵۰	۲۲.۳
نگهداری	۷۲	۳۱.۸
سومصرف مواد مخدر	۵۵	۲۴.۳
مجموع	۲۲۶	۱۰۰

ماخذ: نیروی انتظامی استان قزوین، ۱۳۸۷

### روش تخمین تراکم کرنل

بررسی پراکندگی مکان‌های وقوع جرایم مواد مخدر در سطح شهر قزوین و هادی آباد به روش تراکم کرنل بر اساس نقشه شماره ۲ نشان می‌دهد، مهم‌ترین کانون جرم‌خیز شهر قزوین در ارتباط با جرایم در محله هادی آباد، عمری محله و خیابان نواب شکل گرفته‌اند. محله هادی آباد به عنوان اولین محدوده جرم‌خیز شهر قزوین، وضعیت بسیار نامناسبی از لحاظ وقوع جرائم مرتبط با مواد مخدر دارد. با بررسی اطلاعات مربوط به مساحت، جمعیت، تراکم نسبی جمعیت این محدوده و مقایسه آن با تعداد و درصد بزهکاری و نسبت بزه به مساحت محدوده هادی آباد ملاحظه می‌شود وضعیت این محدوده از شهر به لحاظ مشکلات ساختاری و کالبدی بسیار نامطلوب است

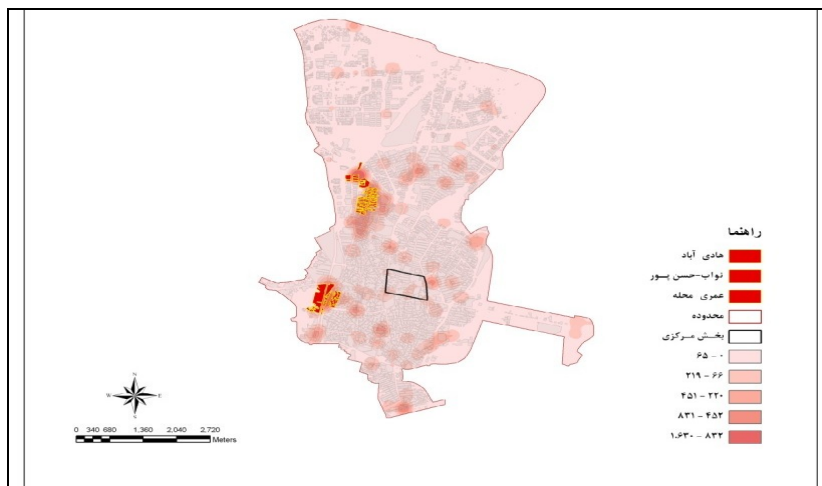
مقایسه نوع و میزان جرایم ارتكابی در محدوده هادی آباد و شهر قزوین نشان می-دهد، که در مساحت کم محله هادی آباد که تنها ۴ درصد از کل مساحت شهرقزوین را به خود اختصاص می دهد، بیش از ۱۴/۹۰ درصد وقایع مجرمانه شهر با رقمی معادل ۲۲۶ فقره از کل ۱۵۱۶ جرم ثبت شده در دوره زمانی مورد مطالعه اتفاق افتاده است(ن-ک به جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. بررسی تطبیقی مساحت به جمعیت، تراکم نسبی و نسبت جرم به واحد سطح در مهم ترین کانون جرم خیز شهر قزوین

محدوده	مساحت	درصد	جمعیت	درصد	تراکم نسبی	فراوانسی بزهکاری	درصد
محله هادی آباد	۱۳.۵	۴	۳۳۵۰۳	۱۱.۵	۸۴۳	۲۲۶	۱۴.۹۰
کل شهر	۳۶۱۷.۳	۱۰۰	۴۲۹۹۶۴	۱۰۰	۱۱۷	۱۵۱۶	۱۰۰

ماخذ: عباسی، ۸۷

نقشه شماره ۲: سه کانون جرم خیز مواد مخدر در شهر قزوین



ماخذ: عباسی، ۸۷

رشد سریع و ناگهانی جمعیت در شرایط نبود اهرم های لازم برای کنترل ساخت و سازها و توسعه آتی شهرقزوین، موجب گسترش ساخت سازه‌های نامتعارف و در نتیجه ظهور کالبدی دوگانه، آشفته و فاقد هویت و انتظام شهری گردیده به طوری که مساحتی حدود شصت هکتار از باغات غرب شهرقزوین، در کمتر از سه دهه جمعیت بسیار بالایی را در خود جای داده است. همین امر باعث از بین رفتن انسجام اجتماعی و به تبع آن آسیب پذیری این محدوده شده است.

### آزمون خوشه بندی

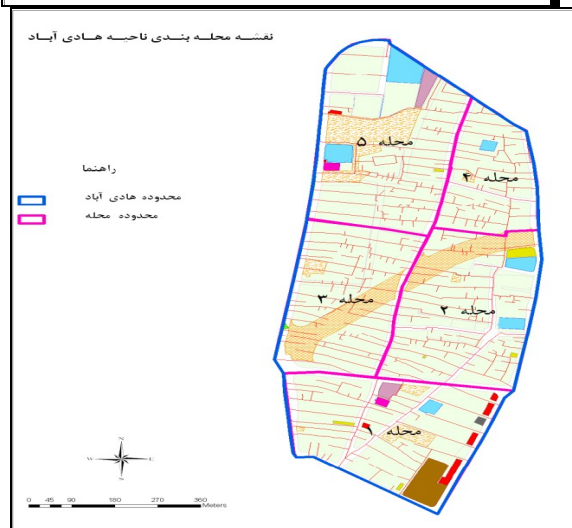
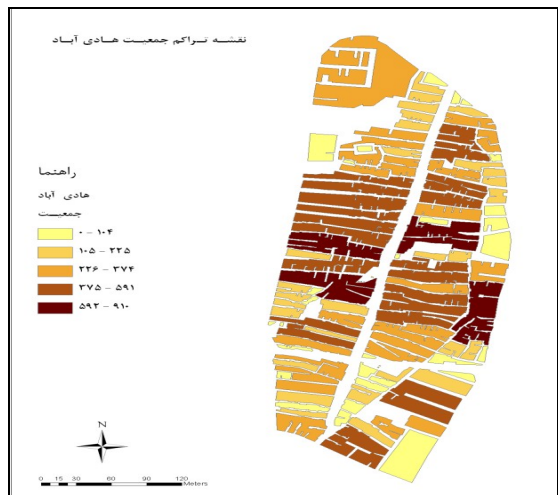
یکی دیگر از آزمون ها برای تحلیل الگوهای مکانی بزهکاری در شهر قزوین آزمون خوشه بندی بوده است. چندین روش برای آزمون خوشه بندی توزیع بزهکاری قابل استفاده است که "شاخص نزدیک‌ترین همسایه" از جمله رایج ترین آنهاست. نتایج آزمون نزدیک ترین همسایه برای جرایم ارتكابی سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر شهرقزوین نشان می دهد، که میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه در پراکنندگی نقاط مربوط به جرایم مواد مخدر در شهر قزوین ۰.۰۷۸ است. این میزان بیانگر توزیع خوشه‌ای جرایم مورد مطالعه در شهر قزوین است زیرا اگر نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه برابر یک باشد، داده های بزهکاری به صورت تصادفی توزیع شده است. اگر نتیجه کوچک‌تر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن داده‌های مجرمانه است و اگر شاخص نزدیک‌ترین همسایه بزرگ‌تر از یک باشد، نشانگر توزیع یکنواخت داده‌های مجرمانه است. همچنین مقدار  $Z$  نیز در این جرایم ۱.۶۳- است که خوشه‌ای بودن توزیع فضایی جرایم مرتبط با مواد مخدر را در محدوده‌های خاصی از شهر قزوین به ویژه کانون های شناسایی شده، تأیید می کند.

## بحث و نتیجه گیری

محله هادی آباد واقع در غرب شهر قزوین به عنوان منطقه دارای تراکم بالای بزهکاری، جزء روستاهای اطراف هسته اولیه شهر بوده که به مرور زمان در بافت شهر ادغام شده است. (ن-ک به نقشه شماره ۱) این منطقه دارای مشکلات جدی از جمله عدم تعادل ساختاری در زمینه هایی چون کوچکی قطعات اراضی و ابعاد کم منازل، کیفیت پایین مصالح و عدم وجود شبکه معابر استاندارد و غیر فنی بودن اکثر ساخت و سازها و کمبود تسهیلات زیر بنایی است. در این منطقه تراکم جمعیت در واحد سطح، بعد خانوار، بار تکفل و رشد طبیعی جمعیت نسبت به سایر مناطق شهر بالاتر است. ناهنجاری های اجتماعی از جمله اعتیاد، بی سوادی، عدم ارتباط یا ارتباط ضعیف با سایر مناطق شهری، ویژگی های خاص فرهنگی و بی دفاع بودن در برابر آسیب های اجتماعی از مشخصه های بارز این منطقه است. اغلب ساکنان این سکونت گاه جزء طبقات پایین جامعه اند و از درآمد ناچیز برخوردارند. فقدان مهارت های لازم باعث بیکاری یا اشتغال آنان در مشاغل کاذب غیرتولیدی (دست فروشی، دوره گردی و...) یا به صورت کارگران روزمزد و یا در بخش های غیررسمی شده است که با وجود کار طاقت فرسا حداقل دستمزد را دریافت می کنند. مجموع مشخصات یادشده بر آشفتگی های فیزیکی و کالبدی منطقه هادی آباد تأکید دارد و ساکنان این محدوده با نارسایی های فراوانی از نظر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی روبرو هستند.



نقشه شماره ۳: نقشه تراکم جمعیت در هادی آباد



نقشه شماره ۴: نقشه محله بندی هادی آباد

محلّه هادی آباد برای اولین بار جمعیت پذیری خود را در سال ۱۳۳۰ تجربه کرده است. روند جمعیت پذیری هادی آباد در دهه ی اول پیدایش آن آرام بوده است. به طوری که بر اساس مطالعات صورت گرفته تا سال ۱۳۳۵ در محدوده هادی آباد کنونی تنها ۵۵ خانوار با جمعیتی معادل ۳۱۰ نفر ساکن بوده اند. طی دو دهه بعد از آغاز سکونت گزینی در هادی آباد جمعیت آن به ۲۳۳۴۴ نفر در سال ۱۳۵۵ می رسد که به طور متوسط از رشد جمعیتی معادل ۲۴/۱ درصد برخوردار بوده است. در این دوره از مراحل جمعیت پذیری هادی آباد، رشد جمعیت بسیار شتابان بوده است و نقطه اوج مهاجرپذیری آن می باشد (دوره ای که شهر الوند نیز به مثابه یک سکونتگاه نامتعارف شهری در منطقه قزوین، طی سال های ۶۰-۵۵ آن را با ۲۴/۴ درصد رشد جمعیت، تجربه کرده است). طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ جمعیت هادی آباد با رشد متوسطی معادل ۳/۳۶ درصد که تقریباً هماهنگ با رشد متوسط جمعیت کشور است، به ۳۲۵۱۰ نفر می رسد. کاهش شدید رشد جمعیت هادی آباد، در این دوره احتمالاً به دلیل اشباع جمعیت آن، محدود بودن فضای سکونتی و کنترل جمعیت طی این سال ها بوده است. با افزایش ساخت و ساز و تکمیل بافت نیمه پر محلّه قبل از سال های ۱۳۶۵ و اشباع آن از نقطه نظر جمعیتی طی دهه ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ تنها ۹۹۳ نفر به جمعیت هادی آباد افزوده می شود، که از رشدی معادل ۰/۳ درصد برخوردار بوده است. بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵ جمعیت ساکن در این محلّه به ۳۴۳۶۲ نفر افزایش یافته است به گونه ای که محلّه هادی آباد با مساحتی حدود ۵۷ هکتار تنها ۴ درصد از کل شهر را در بر گرفته است، با وجود این در این مساحت اندک ۱۱/۵ درصد جمعیت شهر اسکان یافته اند که این موضوع نشان دهنده افزایش رشد جمعیت و در نتیجه تراکم بالای

جمعیت ساکن در این محله است، به گونه‌ای که تراکم نسبی جمعیت در این محله با رقمی معادل ۸۴۳ نفر در هکتار بسیار بالاتر از متوسط تراکم جمعیت در کل شهر به میزان ۱۱۷ نفر در هکتار می‌باشد. با این توصیف تراکم جمعیت این محدوده بالغ بر هفت برابر تراکم متوسط جمعیت در شهر قزوین است. این موضوع را می‌توان ناشی از توسعه‌ی لجام گسیخته‌ی شهری و بالا گرفتن بحران مسکن به دلیل گران بودن قیمت زمین و مسکن و اجاره بهای مسکن در سطح شهر قزوین و همچنین به دلیل موقعیت مکانی آن به لحاظ سهولت دسترسی و نقل و انتقال به مراکز خرید و کار و اشتغال دانست که باعث شده است عده‌ی کثیری از جمعیت مهاجر کم درآمد به این محله جذب شده و به زیر ساخت‌های غیر مجاز و بی ضابطه روی آورند.

جدول شماره ۴: تحولات جمعیتی هادی آباد طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵

سال	جمعیت	خانوار	بعد خانوار	متوسط رشد(درصد)
۱۳۵۵	۲۳۳۴۴	۴۵۵۹	۵/۱۲	۲۴/۱
۱۳۶۵	۳۲۵۱۰	۶۶۱۲	۴/۹۲	۳/۳۶
۱۳۷۵	۳۳۵۰۳	۶۸۴۳	۴/۹	۰/۳
۱۳۸۵	۳۴۳۶۲	۶۲۳۱	۴/۱	۰/۳

ماخذ: مرکز آمار ایران

با توجه به مطالب پیش گفته تعیین انواع تراکم در سطح شهر و طرح‌های شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. جامعه شناسان در مورد نحوه‌ی پراکندگی تراکم و آثار تراکم زیاد بر جمعیت معتقدند که تراکم از یک سلسله پیامدها برخوردار می‌باشد. آثار منفی تراکم زیاد را در روابط غیر صمیمی افراد و معاشرت خشک مردم

با یکدیگر، ایجاد سرو صدا و نارسایی‌های روانی، گرانی قیمت زمین و اجاره خانه، فقدان زندگی خصوصی و پوشیده از چشم دیگران، امکان بروز اختلاف بین جمعیت، بروز ناراحتی‌های عصبی و بیماری‌های دیگر و از همه مهم‌تر افزایش جرم می‌دانند. بر اساس آخرین آمار محله هادی آباد با ۳۴۳۶۲ نفر جمعیت، در مقایسه با سایر نقاط شهر، از بالاترین تراکم جمعیتی برخوردار است. به طوری که ۱۱/۵ درصد از جمعیت شهر را در خود جای داده، در حالی که فقط ۴ درصد از سطح شهر را اشغال کرده است. بررسی و مقایسه سطوح، سرانه و تراکم خالص شهری در قزوین و محله هادی آباد، نشان می‌دهد که سرانه خالص شهری برای هر شهروند قزوینی ۵۵ متر مربع است. با این همه سهم هر نفر ساکن محله هادی آباد از سطح خالص شهری تنها ۱۵/۷۷ مترمربع می‌باشد. از جهت دیگر از نظر تراکم خالص شهری در هر هکتار از سطوح خالص شهری در شهر قزوین ۱۸۲ نفر جای دارد. حال آنکه این تعداد در هادی آباد ۶۳۴ نفر می‌باشد. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که میزان تراکم خالص در هادی آباد بیش از ۳ برابر سطح شهر قزوین می‌باشد که این خود منشأ بسیاری از مشکلات، نارسایی‌ها و نابسامانی‌های شهری در محله می‌باشد. بر اساس بررسی‌های انجام شده ۴ نوع تراکم جمعیتی در هادی آباد به شرح زیر به دست آمده است:

تراکم ۶۰۰-۳۵۰ نفر در هکتار، تراکم متوسط ۹۰۰-۶۰۱ نفر در هکتار، تراکم زیاد ۱۶۰۰-۹۰۱ نفر در هکتار، تراکم خیلی زیاد ۲۴۰۰-۱۶۰۱ نفر در هکتار که میانگین تراکم خالص مسکونی در هادی آباد ۹۳۷ نفر در هکتار از فضای خالص مسکونی می‌باشد درحالی که این رقم در سطح شهر ۳۵۵ نفر در هکتار است. بر همین اساس می‌توان یک نوع رابطه بین تراکم بالای جمعیت و جرم را به اثبات رساند به طوری که این محله دارای بالاترین میزان جرم به وقوع پیوسته در سطح

شهر نیز می باشد(ن-ک به جدول شماره ۳). بر اساس بررسی های انجام شده مشاهده می شود که محله های دو و سه (ن-ک به نقشه شماره ۳) دارای بالاترین تراکم جمعیتی با فراوانی ۹۱۰ - ۵۹۲ می باشند و محله پنج با فراوانی ۱۰۴-۰ دارای کمترین تراکم جمعیتی شناسایی شده اند(ن-ک به نقشه شماره ۴).

نقشه شماره ۵: نقشه کاربری اراضی هادی آباد



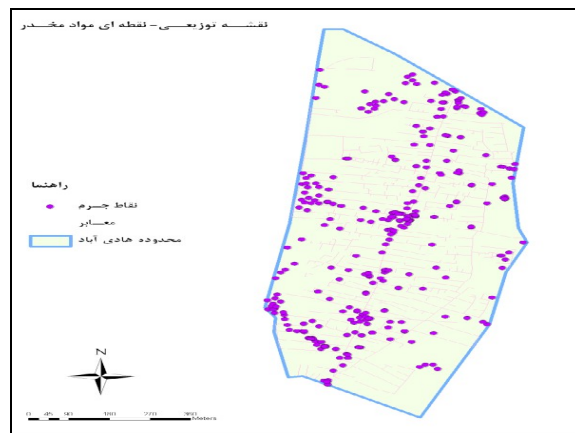
از سوی دیگر یکی از مطالعات اساسی در جهت شناخت شهر و نحوه پراکندگی فعالیت های شهری در بررسی های فیزیکی، مطالعه نحوه استفاده از اراضی شهری است. از این بررسی ها می توان به نتایج بسیاری دست یافت که از جمله آنها می توان به میزان تراکم افراد ساکن در هر یک از محدوده ها و میزان وقوع جرم در رابطه با

نحوه استفاده از کاربری‌های موجود در این محلات پرداخت. در مقاله حاضر با بررسی‌های انجام شده مشاهده گردید که محله هادی آباد از نظر شکل عملکردی و کالبدی دارای بافت «خطی - هسته ای» است. دانه بندی کالبدی فشرده بین عناصر و فضاها، بافتی متراکم و پیوسته را در هادی آباد موجب شده است. در ایجاد و شکل گیری این بافت، شتابزدگی در نحوه تقسیم زمین و توافقی‌های غیر قانونی میان ساکنین نقش اساسی داشته است. بافت و سیمای ظاهری واحدهای مسکونی و شبکه ارتباطی، عموماً در سطح محله آشفتگی محسوسی دارد و هر چه به نقطه مرکزی محله نزدیک‌تر می‌شویم به پیچیدگی و آشفتگی آن افزوده می‌شود. به طوری که تنها منطقه محدودی در شمال غربی و جنوب شرقی و نقطه مرکزی محله از بافت مسکونی و شبکه ارتباطی مناسبی برخوردار هستند. به طور کلی هر چه به شمال شرقی (محله دو-ن-ک به نقشه شماره ۳)) و نقطه مرکزی (محله سه-ن-ک به نقشه شماره ۵)) محله نزدیک می‌شویم به میزان فشردگی و تراکم ساخت و سازها و آشفتگی شبکه ارتباطی افزوده می‌شود که در نقشه شماره ۴ می‌توان میزان بالای تراکم جمعیت در این محدوده‌ها را مشاهده کرد. همین موضوع سبب شده تا کاربری‌های گوناگون تجاری، آموزشی، بهداشتی و درمانی و... نیز بسیار محدود و بدون داشتن سلسله مراتب فضائی و کالبدی از پیش اندیشیده شده و صرفاً بر اساس رفع نیاز فوری و به صورت خودبه‌خود در کنار یکدیگر مستقر شده‌اند به گونه‌ای که در بعضی محلات چند مرکز خدماتی-رفاهی وجود دارد و در بعضی محلات هیچ مرکزی ساخته نشده است. این خود یکی از نکات حائز اهمیت عدم وجود مراکز انتظامی در این محدوده است. بدین ترتیب کم‌رنگ بودن حضور انتظامی در این محدوده از شهر موجب شده است تا بزهکاران سهل‌تر و دور از نظارت

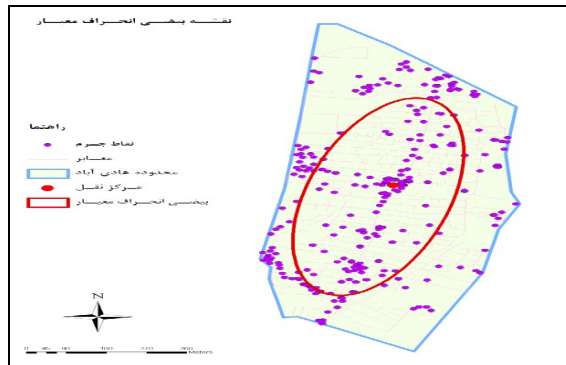
نهادهای رسمی برقراری نظم و امنیت بتوانند اعمال مجرمانه خود را در این منطقه انجام دهند.

با توجه به آنچه گفته شد یکی از مهم‌ترین پیامدهای توزیع نامتوازن کاربری اراضی شهری در هادی آباد ایجاد محیط مناسب برای وقوع انواع جرائم بالاخص بزه مواد مخدر است. همان گونه که در نقشه های شماره ۴ و ۵ مشخص است، محله های ۳ و ۲ دارای بالاترین تراکم جمعیت ساکن در هادی آباد است. همان گونه که در نقشه شماره ۶ مشاهده می شود، این دو محله به خصوص محله ۳ از کمترین میزان اراضی آموزشی، تفریحی، مذهبی، تجاری و... مورد بهره برداری برخوردار است. بر همین اساس رابطه وقوع بالای جرم را در نقشه های شماره ۷ و ۸ نیز می توان به راحتی در این محله ها مشاهده کرد.

نقشه شماره ۶: نقشه توزیعی-نقطه ای مواد مخدر



## نقشه شماره ۷: نقشه بیضی انحراف معیار



بنا بر مطالب یاد شده و با استفاده از تحلیل های آماری گرافیک مبنا در GIS , تحلیل مرکز ثقل و بیضی انحراف معیار که بر روی داده های جرم محله هادی آباد انجام شد، حاوی نکات زیر می باشد:

در نقشه شماره ۷ که نشان دهنده جرائم مواد مخدر به صورت توزیعی-نقطه‌ای است، مشاهده می‌شود که طبق توضیحات مربوط به نقشه شماره ۴ که بیشترین تراکم جمعیت را در قسمت شمال شرقی و مرکز و جنوب غربی نشان می‌داد، در نقشه توزیعی-نقطه‌ای نیز به وضوح قابل مشاهده است که بیشترین نقطه های جرم به وقوع پیوسته در این قسمت ها به ثبت رسیده است. همچنین در نقشه شماره ۶، نقشه بیضی انحراف معیار، دیده می‌شود که بیضی دارای کشیدگی شمال شرقی به جنوب غربی است و مرکز ثقل آن متمایل به سمت شمال است. نتیجه تحلیل نقشه های شماره ۶ و ۷ مهر تاییدی بر مطالب بیان شده است.

با توجه به مطالب گفته شده، طبق نقشه شماره ۴ که نشان دهنده تراکم و نقشه ۳ نشان دهنده محله ها است، با انطباق این دو نقشه با نقشه های شماره ۶ و ۷، محله های ۲ و ۳ دارای بالاترین تراکم جمعیتی و همچنین بالاترین میزان جرائم است که



بیان‌گر ارتباط مستقیم میان تراکم جمعیت و جرم در منطقه اسکان غیر رسمی هادی آباد می‌باشد به طوری که نقش مؤثری در توزیع جغرافیایی نوع و میزان جرایم و شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در این محدوده داشته است.

### پیشنهادات

با توجه به تحلیل یافته‌ها و نتایج حاصل از انجام این پژوهش و بمنظور کاهش نرخ انواع جرایم مواد مخدر در محدوده اسکان غیر رسمی محدوده هادی آباد، به نظر می‌رسد پیشنهادهای و راهکار علمی و اجرایی زیر برای کاهش این نوع بزهکاری، مفید و راهگشا باشد:

- محدوده جرم خیز هادی آباد، در حقیقت از روستاهای اطراف شهر قزوین بوده که با گذشت زمان در بافت شهری ادغام گشته است. در حال حاضر این محله از لحاظ استاندارد‌ها و سرانه‌های شهری (تفریحی، آموزشی، بهداشتی و ...) در شرایط نامناسبی به سر می‌برد. ضروری است مدیران شهری در امر بهینه‌سازی و ارتقای کیفیت زندگی محله‌ی یاد شده، اقدام‌های لازم را به عمل بیاورند.
- بررسی تحلیل رابطه تراکم جمعیت و جرم نشان داد کانون‌های جرم خیز در محلات پر جمعیت واقع شده است. در این محلات خانواده‌ها با پایگاه‌های اجتماعی، قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت اسکان یافته‌اند و بیشتر جمعیت فعال جوان به مشاغل غیر رسمی اشتغال می‌ورزند. در این ارتباط لزوم اتخاذ سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی در چارچوب مراکز تولیدی و صنعتی به منظور انتقال این جمعیت فعال، ضروری به نظر می‌رسد.

- فقدان نظام سلسله مراتبی<sup>۱</sup> در شبکه های دسترسی و نبود شبکه ی ارتباطی و گذربندی مناسب و قابل عبور برای وسایل نقلیه خدماتی مانند: آمبولانس، آتش نشانی، نیروی انتظامی ... موجب تضعیف ارانه خدمات مناسب به این محدوده گردیده است. بنابراین تعریض معابر مطابق با اصول و استانداردهای معماری و شهرسازی که علاوه بر تسهیل رفت و آمد در منطقه، امکان گشت زنی پلیس را فراهم آورده و بدین وسیله امکان نظارت رسمی در منطقه افزایش می یابد.
- با تهیه نقشه های مکانی از وقوع بزه انواع جرائم مواد مخدر مشخص شد که مکان یابی و اسقرار برخی از ایستگاه های نیروی انتظامی در شهر قزوین با نقاط آلوده به جرم منطبق نبوده است. به نظر می رسد که حضور فعال نیروی انتظامی در مکان ها و زمان های مسئله دار می تواند به لحاظ پیشگیری به ویژه با کمک گرفتن از موارد زیر از مزیت بالایی برخوردار باشد:
- استفاده از مخبران محلی و دادن اعتماد واقعی به آنان مبنی بر پنهان ماندن اخبار و اطلاعات آنان پس از همکاری.
  - استفاده از مأموران پوششی (در قالب رهگذر، دستفروش و ...)
  - استفاده از مأموران آشکار به صورت نوبه ای و غیر مشخص.
  - حضور افسران واجد شرایط (افسر آموزش) در مساجد و مدارس و محله های رسمی و غیر رسمی و ارشاد افراد و همسویی با آنان به جهت اطلاع از مشکلات و رفع آنان و پاسخ به سؤالات و ایجاد فضای فرهنگی حاکم بر فضای غیر متعارف.

۱- طرح جامع شهری قزوین، وزارت مسکن و شهر سازی -۱۳۶۹: ۹۲-۶۵۷

- آشنایی با فضایی عینی حاکم بر مدارس و برگزاری جلسات مشاوره پلیس با معلمان با توجه به حفظ شئون و محفوظ ماندن اطلاعات آنان.

## منابع

### فارسی

۱. اک، جان ای، چینی؛ اسپنسر، کمرون و دیگران (۱۳۸۸). تهیه نقشه برای تحلیل بزهکاری: شناسایی کانون‌های جرم خیز، ترجمه محسن کلانتری و مریم شکوهی. چاپ اول، زنجان: نشر آذرکلک (در دست انتشار).
۲. حبیبی، سید محسن «جزوه درسی بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی»، دانشگاه تهران، تلخیص.
۳. طرح جامع شهری قزوین - ۱۳۵۹ - مهندسین مشاور مسکون، دفتر دوم.
۴. طرح جامع شهری قزوین، وزارت مسکن و شهر سازی - ۱۳۶۹ ص ۹۲ - ۶۵۷.
۵. عباسی، الهام (۱۳۸۷). «شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهری با استفاده از GIS»، مورد مطالعه بزه قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر در شهر قزوین، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۶. فرماندهی انتظامی ناجا قزوین، پلیس مبارزه با مواد مخدر، سال ۱۳۸۷.
۷. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۸۵.
۸. مهندسین مشاور شارمند (۱۳۷۳). «طرح تفصیلی شهر قزوین»، جلد مطالعات کالبدی، ص ۳۰-۴۵.
۹. هاشمی، حسین (۱۳۸۱). ساماندهی کالبدی فضایی هادی آباد.

## انگلیسی

- Bratton, W., Knobler, P., 1998, *Turn around: How Americans Top Cop*, Reversed the Crime Epidemic, New York, NY, Random House
- Bennett, T., 1995, Identifying, *Explaining and Targeting Burglary Hot Spots*, European Journal on Criminal Policy and Research, Vol.3, Issue 3, pp.113-123
- Home Office, 2003, *Home Office Crime Reduction toolkits* in: [http. Crime reduction. gov.uk/toolkits/index.html](http://Crime.reduction.gov.uk/toolkits/index.html)
- Hopkins, M., 2004, *Targeting Hot Spots of Alcohol Related Town Centre Violence: a Nottingham Shire Case Study*, Security Journal, Vol.7, Issue 4, pp.53-66
- Sherman, L.W., Gartin, P.R., Buerger, M.E., 1989, *Hotspots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place*, Criminology, NO.27, p.27-55
- Taylor, R.B., 1998, *Crime and Small – Scale Places: what we know, what we can prevent, and what else we need to know*, Crime and Place: Plenary Papers of the 1997 Conference on Criminal Justice and Evaluation, U.S. Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice, Research Forum, p.3
- Ratcliff, J.H., 2004, *The Hot Spots Matrix: a Framework for the Spatial Temporal Targeting of Crime Reduction*, Police Practice and Research, Vol.5, No.1, pp.5-23
- Weisburd, D., 2004, *Criminal Careers of Places: a Longitudinal Study*, U.S. Department of Justice, National Institute of Justice